

# هفت قله ی سیاوش

نویسنده :

مرتضی مرادلی

www.ketab.ir

سر شناسه: مرتضی مرادلی، ۱۳۵۷ -  
عنوان و نام پدیدآور: هفت قلّه ی سیاوش / مرتضی مرادلی.  
مشخصات نشر: تهران: مرتضی مرادلی، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.، ۱۴،۵\*۲۱،۵ س. م.  
شابک: ۹۰۰۰۰ ریال 1-7123-04-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.  
چادداشت: چاپ قبلی: شوکا، ۱۳۸۴  
موضوع: داستان‌نویسی - قرن ۱۴  
موضوع: Persian fiction - 20<sup>th</sup> century  
رده بندی کنگره: ۱۳۰۰ / ۲۳۵۷ / ۸۲۰۳ PIR  
رده بندی دیویی: ۸۶۲ / ۸۱۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۳۰۰۰۵

### - هفت قلّه ی سیاوش

- نویسنده: مرتضی مرادلی
- ناشر: مولف
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
- چاپ قبلی: اول - ۱۳۸۵
- طراح جلد: مرتضی مرادلی
- طراحی صفحات: شوکا
- موضوع: ادبیات داستانی قرن ۱۴
- شمارگان: ۳۰۰ نسخه
- شابک: 1-7123-04-600-978
- قیمت: ۹۰۰۰ تومان
- مرکز پخش: ۰۰۹۱۳۳۰۷۷۳۶۰ - ۴۴۸۴۱۵۹۵
- [www.MortezaMoradli.com](http://www.MortezaMoradli.com)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مولف محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و... را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست :

- ۵ ..... فصل هفتم - فتار
- ۷ ..... قله اول - طب
- ۵۷ ..... قله دوم - عشق
- ۶۷ ..... قله سوم - شناخت
- ۷۷ ..... قله چهارم - استقلال
- ۹۳ ..... قله پنجم - عشق
- ۱۲۵ ..... قله ششم - تجربه
- ۱۳۷ ..... قله هفتم - فنا

آرزوهای من که مانند گل، ظریف و آسیب پذیر بودند، در برابر باد و بوران‌های بی امان زمان مقاومت کردند و به میوه تبدیل شدند، آرزوهای من به تحقق پیوستند و من در بستان آرزوهایم بودم، بارور شدم. زمان زیادی از میوه دادن من می‌گذرد. دیگر ثمره‌ها را فرا رسیده است و برگ‌های زرد من و روزهای نارنجی‌ام زمین می‌افتند. همان عمرم را یکی آب می‌برد و دیگری را باد و این صدای خرد شدن و نه شدن روزهای عمر من است، نه صدای خش خش برگ‌های چنار زیر پاهای عریان. برگ‌های من از برگ‌های درخت عمر، یک روز از روزهای عمر کوتاه ما است و چاره‌زود فصل پاییز فرا می‌رسد و زمانی که برگ‌ها بر روی زمین می‌افتد و در فلات ایستادگان هم که دیگر هیچ برگ‌ها از درخت عمر ما باقی نمانده است و تنها تنه‌ها، تنه‌ها و تنه‌ها و قطور می‌مانند.

این نوشته، از ارتباط انسان با دنیای بکر و پاک طبیعت و رموز پنهانی آن - که پرده از اسرار کنار می‌زند - حکایت به گونه‌ای که مسیر حرکت آدمی را به واقع در زندگی نشان می‌دهد. درست است که مفهوم و فلسفه‌ی

زندگی فراتر از این معانی قرار دارد، اما ناگزیر این حقیر پا فرا گذاشته و گوشه‌ای از حقایق مبثنی بر دریافت‌های خویش را بیان نموده است.

واقعه‌ای که از تپش دل پر ز مهر دلداران دنیا حکایت می‌کند، از ماجرای پر رمز و راز سخن می‌گوید و از انسان‌های آفت‌زده‌ی امروزی که به سان از حقیقت هستی خویش فاصله گرفته و فرق در دنیا‌های مجازی آن شایسته.

فصلی که انسان‌ها به خواب عمیق و زمستانی فرو رفته‌اند، خوابی که هیچ بهاری نمی‌تواند آن‌ها را بیدار کند. ای کاش انسان‌ها هم مانند طبیعت و گیاهان، بهاری داشتند که جان و روحشان می‌وزید و آن‌ها را از این توهم، گمراهی و خواب سنگین بیدار، و چشم‌های آن‌ها را به سوی حقایق زندگی روشن می‌کرد.

مرتضی مرادلی